

## حمایت از مردم فلسطین، حمایت از انسان است!

بهرام رحمانی

bamdadpress@ownit.nu

پس از گذشت دو هفته از آغاز جنگ هوایی، زمینی و دریایی حکومت اسرائیل علیه مردم غزه و با وجود قطعنامه شورای امنیت در مورد توقف سریع این جنگ، وزیر دفاع اسرائیل می گوید هم چنان به حملات خود در نوار غزه ادامه خواهند داد.

روز جمعه نهم ژانویه ۲۰۰۹، یعنی یک روز پس از تصویب قطعنامه سازمان ملل، دفتر اهود اولمرت، نخست وزیر اسرائیل، در بیانیه ای اعلام کرد: «اسرائیل هیچ گاه برای تامین نیازهای امنیتی شهروندانش به عوامل خارجی اجازه دیکته کردن نظرات خود را نداده و ارتش اسرائیل، بدون توجه به قطعنامه، ملزم به ادامه عملیات در غزه و تامین مأموریت های محول است.»

علاوه بر تصویب قطعنامه سازمان ملل، در روزهای اخیر برای پایان بخشیدن به این جنگ خونین، از جمله اتحادیه اروپا هیاتی مرکب از نمایندگان روسای پیشین، کنونی و آینده این اتحادیه را با هدف قطع جنگ به منطقه فرستاد و مصر نیز با حمایت فرانسه طرحی را برای برقراری فوری آتش بس در غزه پیشنهاد کرد. اسرائیل اعلام کرد در طی شب گذشته (شنبه ۱۰ ژانویه و ساعات اولیه بامداد یک شنبه ۱۱ ژانویه) نوار غزه را بیش از ۶۰ بار مورد حملات هوایی قرار داده است و کابینه اسرائیل نیز برای گفتگو درباره افزایش حملات علیه غزه جلسه برگزار می کند.

حملات اسرائیل ساعاتی پس از آن انجام شد که اسرائیل با ریختن اعلامیه و برقراری تماس های تلفنی به ساکنان غزه هشدار داد به نقاطی که حماس از آن استفاده می کند نزدیک نشوند و سخن از آغاز «مرحله سوم» عملیات خود به میان آورده است.

مایک سارجنت، گزارشگر بی بی سی در بیت المقدس، از برخی منابع نقل می کند که فرماندهان نیروهای اسرائیلی از میزان تعلل دولت اسرائیل در اعلام گام بعدی صبر خود را از دست داده اند.

در شانزدهمین روز جنگ حکومت اسرائیل علیه مردم فلسطین، اهود اولمرت نخست وزیر اسرائیل، بی شرمانه و وقیحانه گفته است: «ما تقریباً به اهداف خود رسیده ایم.» این اهداف حکومت اسرائیل، قتل عام ۸۸۹ فلسطینی در غزه و بیش از ۴۰۰۰ نفر زخمی و صدها هزار آواره و ویرانی شهر غزه، بخش از اهداف حکومت اسرائیل بوده است؟!

براساس گزارش خبرگزاری ها، خانم تزیبی لیونی، وزیر امور خارجه اسرائیل نیز روز دوشنبه ۱۲ ژانویه ۲۰۰۹، در هفدهمین روز جنگ شان علیه مردم غزه، به رادیو اسرائیل گفت که «من فکر نمی کنم که این سازمان ملل است که تصمیم می گیرد که چه زمانی جنگ علیه تروریسم متوقف شود.» رهبر حزب حاکم کادیما، گفت که «این فقط اسرائیل است که تصمیم می گیرد که چه زمانی به حمله در نوار غزه پایان دهد.»

خانم لیونی، به رادیو ارتش اسرائیل گفته است حمله به غزه تثبیت مقتدرانه سیاست بازدارندگی اسرائیل بود، این حمله معادله جدیدی را به وجود آورد... وزیر امور خارجه اسرائیل در این گفتگوی رادیویی حاضر نشد اعلام کند که کار حمله به غزه چه زمان به پایان خواهد رسید.

حکومت اسرائیل، روز دوشنبه، با وارد کردن نیروهای ذخیره به صحنه جنگ، هدف های فراتری از جنگ تاکنونی را مدنظر دارد. به گزارش خبرگزاری ها، با نزدیک شدن شمار کشته شدگان فلسطینی به ۹۰۰ نفر و افزایش فشارهای بین المللی برای اعلام آتش بس، اکنون احتمال آن می رود که نیروهای اسرائیلی حمله همه جانبه ای را علیه راه های زیرزمینی در مرز غزه با مصر آغاز کنند و عملیات خود را در نقاط شهری گسترش دهند.

هوایماهای جنگنده اسرائیلی به کرات محور موسوم به فیلادلفی در طول مرز ۱۵ کیلومتری غزه و مصر را بمباران کرده و گاهی از بمب های بتنی «سنگرشکن» استفاده کرده اند تا علاوه بر از بین بردن پناهگاه های زیرزمینی و تونل ها با ایجاد موج باعث خرابی راه های دیگر زیرزمینی نیز بشوند. از این راه ها مواد غذایی و کمک های رومزره از مصر به مردم غزه می رسد.

جان یک و نیم میلیون فلسطینی که در باریکه غزه بین نیروهای اسرائیلی و دریا در محاصره قرار گرفته اند، هر روز بیش تر در معرض تهدید و خطر قرار می گیرد.

اسرائیل اجازه ورود گزارشگران بین المللی به نواحی ساحلی را نمی دهد بنابراین، گزارشات و آمارهای منتشره درباره کشته شدگان، عمدتاً از صافی سانسور حکومت و ارتش اسرائیل گذشته و به خبرگزاری ها می رسد؛ به ویژه در اثر بمباران های هوایی و زمینی منازل بی شماری در غزه ویران شده اند که ساکنان آن ها نیز در زیر این آوار مدفون شده اند و بمباران های بی وقفه هوایی و زمینی، تلاش امدادگران را بسیار سخت و گاهی غیرممکن کرده است.

### قطعنامه ۱۸۶۰ سازمان ملل

در حالی که حملات غیرانسانی ارتش اسرائیل به مردم غزه ادامه دارد بالاخره پس از بمباران سه مدرسه تحت نظر سازمان ملل در غزه و کشتار کودکان این مدارس، سازمان ملل متحد، پس از چهار روز مشورت درباره بحران غزه، سرانجام نمایندگان کشورهای غربی و عربی بر سر پیش نویس قطعنامه شورای امنیت به توافق رسیدند. قطعنامه ۱۸۶۰، شامگاه پنج شنبه ۸ ژانویه ۲۰۰۹، در نیویورک با رای ممتنع نماینده آمریکا به تصویب رسید. این رای گیری که در مقر سازمان ملل صورت گرفت، ۱۲ عضو شورای امنیت سازمان ملل، به این قطعنامه رای مثبت دادند و ایالات متحده آمریکا رای ممتنع داد.

توجیه کاندولیزا رایس، وزیر خارجه آمریکا در شورای امنیت، پس از رای گیری این بود که وی اعلام کرد رای ممتنع او با این هدف بوده است که او قصد دارد در انتظار نتایج تلاش های میانجیگرانه مصر بماند. بدین گونه، دولت آمریکا، بار دیگر رسماً و علناً به ادامه قتل عام مردم غزه توسط ارتش اسرائیل، صحنه گذاشت.

به گزارش خبرگزاری ها، در این قطعنامه آمده که آتش بس باید به خروج نیروهای اسرائیلی از نوار غزه بیانجامد. این قطعنامه مهلت معینی را برای ارتش اسرائیل معین نکرده است.

این قطعهنامه اسرائیل و سازمان اسلامی حماس را موظف می کند، بدون وقفه آتش بس را اجرا کنند. قطعهنامه خواستار آتش بس پایدار در مناطق فلسطینی است.

قطعهنامه ۱۸۶۰ خواستار «ارسال و تقسیم بدون مانع کالاهای مورد نیاز انسان ها در سطح نوار غزه، از جمله مواد غذایی، سوخت و دارو» است. شورای امنیت از تمام ابتکارهایی استقبال می کند که یک دالان حمل و نقل کالاهای بشردوستانه را فراهم می سازند و گذر از دالان های کنونی را میسر می کنند. قطعهنامه کشورهای عضو سازمان ملل را فراخوانده است، تمامی تلاش خود را برای رفع نیازهای انسانی و اقتصادی مردم نوار غزه به کار بندند.

بر اساس این قطعهنامه، جامعه بین الملل باید راه های قاچاق غیرقانونی اسلحه و مهمات به نوار غزه را مسدود کند. شورای امنیت در این رابطه از ابتکار و تلاش دولت مصر استقبال کرده است. قطعهنامه از فلسطینی ها می خواهد، گام های جدی برای آشتی میان جناح های مختلف فلسطینی بردارند. در این قطعهنامه، اسرائیل و فلسطینی ها فراخوانده شده اند جانی تازه به روند صلح خاورمیانه ببخشند و در جهت هدف تشکیل دو کشور صلح جو بکوشند. سرانجام قطعهنامه پایان عملیات نظامی را به طرفین مناقشه واگذار کرده است.

بدین ترتیب، سازمان ملل متحد در معرض آزمون دیگری قرار گرفته است به این معنی اگر حکومت اسرائیل این قطعهنامه را نپذیرد آیا سازمان ملل با برگزرای نشست دیگری به دولت های عضو این سازمان پیشنهاد خواهد داد که سفارت خانه اسرائیل را در کشورهای خود تعطیل و سفرای آن را اخراج کنند و تا خاتمه جنگ و خروج نیروهای اشغالگر اسرائیلی از کلیه سرزمین های فلسطینی و اجرای قطعهنامه های سازمان ملل به بیرون سیاسی اسرائیل ادامه دهند.

### استفاده از بمب های حاوی فسفر

تایمز آن لاین، در ۸ ژانویه ۲۰۰۸ گزارش داد شواهد فوتوگرافیک نشان می دهد «علی رغم انکار مقامات وزارت دفاع اسرائیل، ارتش اسرائیل طی حمله به غزه از بمب های حاوی فسفر سفید (WP) استفاده کرده است.» تایمز، اضافه کرد: «هم چنین شواهدی در دست است که نشان می دهد مجروحین فلسطینی که در معرض حمله با این سلاح قرار گرفته دچار سوختگی های بسیار عمیقی شده اند.» تایمز یادآوری کرد: «طبق قوانین بین المللی استفاده از فسفر سفید در جنگ ممنوع است.» تایمز، نوشته است تصاویری که به دست آورده «از واحدهای توپخانه مستقر در مرز غزه و اسرائیل گرفته شده اند.»

به گزارش تایمز، این سلاح های حاوی «mm rounds ۱۵۰he pale blue» به روشنی علامت «۱۸۸۲۵M» را دارند که ساخت آمریکا و نوع پیشرفته آن است. به نوشته تایمز، سربازان اسرائیل در آغاز حمله این سلاح ها را شلیک می کنند که دود سفیدی ایجاد می کند و سپس به صورت آبخاری از اشعه سفید منتشر می شود.

هم چنین پزشکان در نوار غزه اعلام کرده اند که در برخی از این حملات بمب های فسفوری به کار گرفته شده است. امداد گران می گویند مجروحان گلوله باران روستای خوزا دچار سوختگی و عوارض ناشی از استنشاق گاز شده اند که نشان دهنده تماس با ماده سمی فسفر سفید است.

از فسفر سفید، برای ایجاد دود استتار یا سلاح میدان نبرد استفاده می شود اما بر اساس قوانین بین المللی استفاده از این نوع تسلیحات علیه غیرنظامیان اکیدا ممنوع است.

نهاد بین المللی «دیده با حقوق بشر» که مقر آن در نیویورک قرار دارد نیز اسرائیل را به کارگیری فسفر سفید در جریان عملیات خود در غزه متهم کرده است.

### ورود نیروهای ذخیره به جنگ

ارتش اسرائیل در نشانه ای که حاکی از تشدید و ادامه جنگ در نوار غزه است نیروهای ذخیره خود را به این منطقه اعزام کرد و هم زمان اعلام شد که ۳۱ فلسطینی در درگیری های روز یک شنبه کشته شدند. به گفته اسرائیل نیروهای زمینی این کشور نیز در حال پیشروی در جنوب شهر غزه هستند و به یک تقاطع مهم در جهت شمال غزه رسیده اند.

اوی بنایاهو، سخنگوی ارتش اسرائیل، در گفتگو با شبکه دو تلویزیون این کشور گفت: ما نیروهای ذخیره را وارد عملیات غزه کرده ایم و در ترس عمل نمی کنیم ولی محتاط هستیم.

به گفته کارشناسان نظامی، این نگرانی وجود دارد که با این حمله تعداد تلفات نظامیان غیرنظامیان در نوار غزه افزایش یابد.

### آینده سیاسی حزب کار به جنگ غزه گره خورده است

اهود باراک، وزیر دفاع اسرائیل، یک ژنرال سابق ارتش اسرائیل است که حمله به نوار غزه را با جزئیات تمام تدارک دیده است. روزنامه ها نوشته اند که دوستان نظامی اهود باراک، او را «ناپلئون» می نامند. وی در سال ۱۹۹۱ رییس ستاد فرماندهی ارتش اسرائیل شد و تا امروز یگانه سرباز با بیش ترین مدال است. وی در طول ۳۶ سال سابقه در ارتش این کشور، در بسیاری از مهم ترین عملیات های نظامی و تروریستی اسرائیل علیه مردم فلسطین و فعالین سیاسی آن ها شرکت داشته است.

کارشناسان اعلام کرده اند که آینده سیاسی اهود باراک، وزیر دفاع و اهود اولمرت، نخست وزیر اسرائیل. به پیروزی در جنگ غزه بستگی دارد. قرار است دهم فوریه ۲۰۰۹، انتخابات پارلمانی در اسرائیل برگزار شود.

حزب کار اسرائیل به رهبری اهود باراک، در نظرخواهی های سال ۲۰۰۸ به سطح ده درصد سقوط کرده بود. ولی با حمله نظامی اهود باراک به غزه ممکن است این وضع تغییر کند.

باراک، گفته است که این جنگ می تواند به درازا بکشد و شاید هم انتخابات پارلمانی دهم فوریه ۲۰۰۹ را باید به این خاطر به تعویق افکند، زیرا که از نظر او این «جنگی تمام عیار» خواهد بود. به همین دلیل، تانک های اسرائیلی در سرحدات نوار غزه مستقر شده اند. کارشناسان نظامی حتا درباره حمله زمینی قریب الوقوع همه جانبه اسرائیل بحث می کنند. بحث بر سر این است که ارتش اسرائیل، خانه به خانه به جنگ خود ادامه خواهد داد.

**تظاهرات های ده ها هزار نفری در کشورهای مختلف جهان بر علیه جنگ اسرائیل علیه مردم عزه**  
هزاران نفر روز شنبه دهم ژانویه، در بسیاری از شهر های اروپایی به خیابان ها آمدند و در اعتراض به جنگ اسرائیل در نوار غزه به تظاهرات پرداختند.

در پاریس پایتخت فرانسه، به گفته برگزار کنندگان بیش از یک صد هزار نفر با شعارهای «اسرائیل جنایتکار» و «اسرائیل مجازات باید گردد»، در تظاهرات شرکت کردند.

تظاهراتی که توسط ۲۸۰۰ مأمور امنیتی، اعم از پلیس و ژاندارم همراهی شد. در این تظاهرات بسیاری از شخصیت های سیاسی احزاب چپ فرانسه، در کنار خانم «هند خوری» نماینده دولت فلسطین در فرانسه حضور پیدا کردند.

در دیگر شهرهای فرانسه نیز بیش از ۸۰ تظاهرات مختلف برنامه ریزی شده بود، در این میان نزدیک به ده هزار نفر در شهر لیل تجمع کردند و بیش از چهار هزار تظاهر کننده در شهر تولوز به خیابان ها آمدند.

در لندن، به گفته برگزار کنندگان، بیش از یک صد هزار نفر در کنار هاید پارک تجمع کردند و سپس به سوی سفارت اسرائیل در این شهر حرکت کرده به تظاهرات پرداختند. بیش از ۱۰۰ هزار نفر در مادرید، پایتخت اسپانیا، خواهان پایان درگیری ها در این منطقه شدند.

در آلمان، ده هزار نفر در شهرهای دویسبورگ و برلین به خیابان ها آمدند. در یونان، دو هزار نفر در خیابان های آتن حضور یافتند. در بوداپست، پایتخت مجارستان نیز بیش از یک هزار نفر برای همبستگی با مردم غزه به تظاهرات دست زدند.

در استکهلم پایتخت سوئد، بیش از ده هزار نفر در میدان مرکزی استکهلم «سرگل» تجمع کردند و سپس به سوی سفارت ترکیه راهپیمایی کردند. تظاهرکنندگان و سخنرانان از جمله به دولت سوئد اعتراض داشتند که چرا به اسرائیل اسلحه می فروشد و با این حکومت همکاری نزدیک دارد. آن ها، هم چنین خواهان بستن سفارت اسرائیل و اخراج دیپلمات ها آن شدند.

لازم به یادآوری است که روز سوم ژانویه، بیش از ۳۰۰۰ نفر از مردم آزادی خواه و کمونیست های اسرائیلی در تل آویو، بر علیه حکومت اسرائیل دست به تظاهرات زدند، نشان دهنده این واقعیت است که مردم آزاده دو کشور از جنگ و کشتار نفرت دارند.

### حکومت اسرائیل در تاسیس حماس نقش داشت

گروه های اسلامی تروریست، زابیده سیاست های غیرانسانی حکومت های آمریکا، اسرائیل و... است. براساس اسناد تاریخی حماس، با حمایت مستقیم و غیرمستقیم حکومت اسرائیل تاسیس شد تا در مقابل گرایش چپ جامعه فلسطین و سازمان آزادی بخش فلسطین بایستد؛ به طوری که حماس پس از این که در سال ۲۰۰۶ قدرت را در نوار غزه به دست گرفت جنگ خونینی را با حمایت و پشتیبانی همه جانبه حکومت اسلامی ایران، علیه سازمان الفتح به رهبری محمود عباس راه انداخت که به دو تکه شدن فلسطین منجر گردید. این جنگ داخلی، قبل از هر کس به نفع حکومت اسرائیل بود.

در دهه ۱۹۸۰، اسرائیل رهبران ساف را ترور کرده و مرکزیت آن را مجبور به خروج از بیروت (لبنان) و به تونس راندند. به این ترتیب، اسرائیل صحنه سیاسی فلسطین را برای حماس باز کرد. در آن دوره، سازمان سیا در جهت سیاست های عمومی آمریکا، به رشد و تسلیح گروه های اسلامی از جمله «القاعده» در افغانستان برای جنگ با شوروی، کمک می کرد. جزئیات این ماجرا در کتاب «بازی شیطان» نوشته «رابرت دریفوس»، به ترجمه آقای فریدون گیلانی تشریح شده است.

در این کتاب می خوانیم: حتی پس از وقوع انقلاب سال ۱۹۷۹ ایران، ایالات متحده و هم پیمانانش نتوانستند درس بگیرند که اسلامیسیم پدیده ای خطرناک و غیرقابل کنترل است. ایالات متحده میلیاردها دلار صرف حمایت از جهاد اسلامی در افغانستان کرد که از طرف اخوان المسلمین و متحدانش رهبری می شدند. حتی زمانی که اسرائیل و اردن به صورت پنهانی به تروریست های اخوان المسلمین در جنگ داخلی سوریه کمک کردند، و آن گاه که اسرائیل گسترش اسلامیسیم در میان فلسطینی ها را مورد تشویق جدی قرار داد و به تشکیل سازمان حماس کمک کرد، ایالات متحده نه تنها به نقد آن نپرداخت، بلکه آگاهانه این حمایت ها و کمک ها را بی خطر ارزیابی کرد. از این گذشته، محافظه کاران جدید در دهه هشتاد، برای معاملات پنهانی با آیت الله خمینی، با بیل کیسی مدیر سی آی ا همدارستان شدند.

آنتونی کوردسمان، یکی از متخصصین نظامی دست راستی غرب نیز گفته است: «اسرائیل مستقیماً به حماس کمک کرد زیرا می خواست در مقابل سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) یک جریان دیگر را بوجود آورد». یکی از مقامات سابق سازمان سیا می گوید: «اسرائیل، با استفاده از یک بدیل مذهبی می خواست رقیبی برای ساف ساخته، در آن انشعاب بیندازد و موجب رقیب شدن خصلت سکولار ساف شود.» (UPI, history tied "Atto Israel", June ۱۸, ۲۰۰۲)

### اشک تمساح ریختن سران حکومت اسلامی به مردم فلسطین

در چنین شرایطی، سران حکومت اسلامی، برای مردم فلسطین اشک تمساح می ریزند. اکنون ریاکاری سران این حکومت، حنا برای «خودی» هایشان نیز آشکار شده است. حمایت و پشتیبانی حکومت اسلامی ایران، نه از مردم رنج دیده فلسطین، بلکه از گروه های تروریستی اسلامی نظیر حماس است. بنابراین، در عین حالی که جنایات و به ویژه عملیات تروریستی حماس را باید صریحاً محکوم کرد در عین حال باید همواره به دفاع از حق و حقوق سیاسی، اجتماعی و انسانی مردم فلسطین تاکید نمود.

علی خامنه ای، رهبر حکومت اسلامی ایران، رسماً اقرار کرده است که «دست ایران در غزه بسته است». آیت الله خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، روز پنج شنبه ۸ ژانویه ۲۰۰۹، در واکنش به تخصن برخی از دانشجویان بسیجی در فرودگاه ها و اماکن دیگر که خواستار اعزام به غزه شده بودند، گفت که ایران در این زمینه با محدودیت مواجه است.

ده ها تن از دانشجویان بسیجی پس از حمله اسرائیل به نوار غزه، در چند فرودگاه و از جمله در فرودگاه مهرآباد تهران، دست به تخصن زده بودند، که پس از درخواست چند تن از مقام های لشکری و کشوری ایران بعد از شش روز، در پانزدهم دی ماه، به تخصن خود پایان دادند. بنابراین، حکومت اسلامی، در اوضاع حاض بین المللی و منطقه ای عملاً نمی تواند به حماس در غزه کمک برساند. اما سران حکومت اسلامی، از

این وضعیت، در جهت سرکوب جنبش کارگری، جنبش دانشجویی و جنبش زنان ایران و تشدید سانسور و اختناق بهره برداری می کنند.

از سوی دیگر، اقدامات غیرمؤثر دیپلماتیک سران حکومت اسلامی، عملاً به دیدارهای سعید جلیلی، دبیر شورای امنیت ملی و علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، با مسئولان حماس و حزب الله در سوریه و لبنان، محدود بوده است.

هم چنان که حساب کارگران، زنان، دانشجویان و مردم تحت ستم ایران، حسابشان از این حکومت اسلامی جداست، به همین شکل نیز حساب کارگران و مردم محروم و تحت ستم فلسطین را نیز باید از گروه حماس جدا دانست.

در هر صورت شکی نیست که کارگران و مردم آزاده ایران، مستقل از حکومت اسلامی، از حق و حقوق انسانی و اجتماعی و سیاسی مردم فلسطین حمایت کنند و اجازه ندهند گرایش‌های تاسیونالیستی و ارتجاعی مذهبی، این گرایش‌ها را مرتجع و عقب مانده بورژوازی همیستی مردم ایران آزادی خواه ایران با مردم ستم دیده فلسطین را خدشه دار کنند.

### سران حکومت اسرائیل و حامیان آن ها جنایت کاران جنگی محسوب می شوند

همه جنایاتی که سران حکومت اسرائیل در طول پنج دهه اخیر بر علیه بشریت و به ویژه مردم حق طلب فلسطین مرتکب شده اند براساس قوانین بین المللی، جنایت کاران جنگی محسوب می شوند که باید در دادگاهی علانه مورد محاکمه قرار گیرند.

برای مثال، ناوی پیل، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد درباره عملکرد اخیر سربازان اسرائیلی گفته است که اقدام آن ها تمام ویژگی های جنایات جنگی را دارد.

خانم پیل، در گفتگو با بی بی سی درباره گزارش روز پنج شنبه کمیته بین المللی صلیب سرخ ابراز نگرانی کرد که در آن نوشته بود ارتش اسرائیل به مدت چهار روز مانع از ورود آمبولانس به منطقه زیتون شدند. صلیب سرخ در آن جا چند نفر را پیدا کرد که از بمباران ها جان سالم به در برده بودند. در میان آن ها چهار کودک را در کنار جسد مادرشان پیدا کرد.

خانم لوی، گفت که اسرائیل موظف است از مجروحین حفاظت کند و آن ها را به جایی امن هدایت کند. او خواستار تحقیقاتی مستقل درباره موارد نقض قوانین بین المللی در ارتباط با بحران غزه شده است.

خانم پیل که در جلسه ای اضطراری در سازمان ملل سخن می گفت از اسرائیل خواست تا به سازمان های امدادرسان اجازه کامل ورود به نوار غزه برای توزیع کمک های بشردوستانه بین ساکنان آن بدهد.

به گزارش شاهدان بیش از صد نفر فلسطینی توسط سربازان اسرائیلی به داخل ساختمانی هدایت شدند و به آن ها گفته که همان جا بمانند. روز بعد آن ساختمان به کرات زیر آتش توپ و تانک قرار گرفت.

بیش تر کمیته بین المللی صلیب سرخ اعلام کرده بود که اسرائیل تعهدات بین المللی در قبال مجروحان را زیر پا گذاشته و اجازه نداده آن ها برای مراقبت های پزشکی مستقل از غزه خارج شوند.

کمیته بین المللی صلیب سرخ گفت که در یک مورد که ارتش اسرائیل بالاخره بعد از چهار روز به اعضای این گروه اجازه داد وارد نوار غزه شود، آن ها جسد دوازده نفر و هم چنین شماری نجات یافته - از جمله کودکان - را پیدا کردند که در وضعیت بد روحی قرار داشتند. کمیته بین المللی صلیب سرخ که به طور سنتی نهادی بی طرف است مشاهدات گروه پزشکی در شهر غزه را تکان دهنده توصیف کرده است.

بدین ترتیب، سران حکومت اسرائیل و هم چنین دولت های حامی آن، و در راس همه جورج بوش، رئیس جمهوری آمریکا و کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه دولت وی، بر اساس قوانین بین المللی و به ویژه قوانین سازمان ملل متحد، جنایت کاران جنگی محسوب می شوند و به دلیل جنایت علیه بشریت و حامی کشتار سیستماتیک مردم فلسطین، مورد محاکمه بین المللی قرار گیرند. نخستین اقدام این است که سازمان ملل، اسرائیل را به عنوان یک عضو خود که بیش از پنج دهه است نسل کشی می کند و قطعنامه های این سازمان را هیچ می شمارد، از این سازمان اخراج کند.

اما چنین انتظاری از سازمان ملل که به ویژه در دو دهه اخیر به ابزاری در دست دولت آمریکا و متحدانش برای سازمان دهی لشکرکشی به کشورهای دیگر و تحریم اقتصادی تبدیل شده است انتظار بیهوده ای است.

به این ترتیب، به نظر می رسد که تلاش های دیپلماتیک ناکوونی برای توقف جنگ اسرائیل در نوار غزه بی ثمر بوده است. چرا که برخی دولت های غربی و در راس همه دولت آمریکا همانند گذشته در این جنگ خونین اخیر نیز پشتیبان حکومت اسرائیل هستند و دولت های منطقه عربی نیز بی خاصیت تر از آن هستند که به اقدامی جدی دست بزنند و مثلاً دست اندرکار بایکوت سیاسی اسرائیل (نه بایکوت اقتصادی) شوند.

نوار غزه ۱۰ کیلومتر در ۷۵ کیلومتر است و یک و نیم میلیون جمعیت دارد. این باریکه، به لحاظ جمعیت متراکم ترین نقطه جهان است. کودکان نیمی از جمعیت آن را تشکیل می دهند. ۴۰۰ هزار نفر از جمعیت یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفری نوار غزه در شهر غزه زندگی می کنند.

حکومت اشغالگر و نژادپرست اسرائیل، با وجود همه اعتراضات بین المللی و تصویب قطعنامه جدید رد سازمان ملل، هم چنان به حملات وحشیانه خود علیه مردم غزه ادامه می دهد. بیمارستان ها، مدارس، منازل مسکونی، منابع آب و برق و... را پی در پی بمباران می کند. سربازان تا دندان مسلح وارد منازل مردم می شوند و آن ها را به گلوله می بندند. بنابراین، جنگی که نیروی هوایی، زمینی و دریایی اسرائیل علیه مردم فلسطین در ابعاد گسترده و وحشیانه ای جریان دارد، جنگ بین دو حکومت متخاصم نیست، بلکه جنگ یک حکومت مجهز و مسلح به پیشرفته ترین سلاح های کشتار جمعی و ارتش منظم، بر علیه مردم بی دفاع و بی گناه کشوری که از پنج دهه پیش آن را اشغال کرده است. برای هیچ فرد انسان دوست و طرفدار صلح و آرامش و برابری انسان ها، پذیرفتنی نیست که پرتاب چند موشک توسط گروه اسلامی و ارتجاعی حماس، توجیهی برای قتل عام یک و نیم میلیون نفر باشد. این یک قتل عام است که عاملان آن حامیان آن براساس قوانین شناخته شده بین المللی، باید به عنوان جنایت کاران جنگی در یک دادگاه عادلانه محاکمه شوند.

هر چند که امروز به دلیل اعتراضات بین المللی بر علیه جنگ حکومت اسرائیل بر علیه مردم فلسطین، یک افکار عمومی قوی علیه حکومت اسرائیل شکل گرفته است اما دولت ها به ویژه دولت های غربی و در راس همه دولت آمریکا به این افکار عمومی اهمیتی نمی دهند. چرا که متأسفانه هنوز کارگران جهان به عنوان یک طبقه

آگاه و متحد و متشکل پا به جلو نگذاشته و در محل زیست و زندگی خود، در کارخانه ها، فرودگاه ها، بنادر و خیابان ها دست به اعتراض و اعتصاب زده و خواهان بایکوت سیاسی (نه اقتصادی) اسرائیل نشده اند. اگر چنین واقعه ای روی دهد بی شک دولت های غربی و در راس همه دولت آمریکا حرات نمی کند مستقیم و غیرمستقیم به حمایت و پشتیبانی از حکومت اشغالگر اسرائیل برخیزد و جامعه جهانی را وادار سازند نظاره گر قتل عام مردم فلسطین شوند. واقعا اگر کارگران و مردم آزادی خواه آمریکا، دست به اعتصاب بزنند قطعا کاخ سفید را به عقب نشینی وادار خواهند کرد و نقش مستقیمی در قطع جنگ حکومت اسرائیل علیه مردم فلسطین و خروج همه نیروهای اشغالگر اسرائیلی از سرزمین های فلسطینی ایفاء خواهند کرد.

شکی نیست که حکومت اسرائیل، بدون اجازه سران کاخ سفید، حرات حمله اخیر به غزه را نداشت. دولت آمریکا در هشت سال گذشته به ریاست جمهوری جورج بوش، نه تنها جهان را به سوی بحران اقتصادی و سیاسی سوق داده و براساس آمارهای رسمی منتشر شده، دست کم دو میلیون مزدبگیر در آمریکا، بی کار شده است، بلکه با اشغال کشورهای افغانستان و عراق و تهدید کشورهای دیگر، در آخرین روزهای ریاست جمهوری اش نیز به حکومت اسرائیل چراغ سبز نشان داده است تا بمب های بی وقفه خود را بر روی مردم فلسطین بریزد.

جنگ وحشیانه حکومت اسرائیل علیه مردم فلسطین، سابقه ای بیش از پنج دهه دارد. بنابراین، کسانی که به دلیل پرتاپ چند موشک توسط گروه ارتجاعی حماس به درون مرزهای اسرائیل، نگران حکومت اسرائیل می شوند و صریحا این جنگ تمام عیار حکومت اسرائیل علیه مردم فلسطین را محکوم نمی کنند، عملا طرفدار سیاست های دولت های آمریکا و اسرائیل و ... هستند. برخی از این ها، به هرگونه توجیه و سفسطه سیاسی متوسل می شوند تا آدم کشی های حکومت اسرائیل را توجیه کنند. در این میان، ناسیونالیست های ایرانی، در مورد این جنایات با سکوت کرده اند و با جنایت حکومت اسرائیل را بی شرمانه توجیه می کنند. مسلما، حق طبیعی مردم رنج دیده و ستم دیده فلسطین است که مستقیا سرنوشت شان به دست خویش رقم بزنند و دولت دل خواه مستقل را به وجود آورند. این حق را باید بر حکومت اسرائیل تحمیل کرد. در این راستا همبستگی کارگران و مردم آزاده جهان با کارگران و مردم فلسطین، نقش مهم و تعیین کننده ای دارد. از این رو، باید از هر طریق ممکن این همبستگی را تقویت کرد.

بیست و سوم دی ۱۳۸۷ - دوازدهم ژانویه ۲۰۰۹